

چارسوق

عاقبت تلخ حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، نمایان شد

رکورد تورم پس از انقلاب

به نام دولت چهاردهم



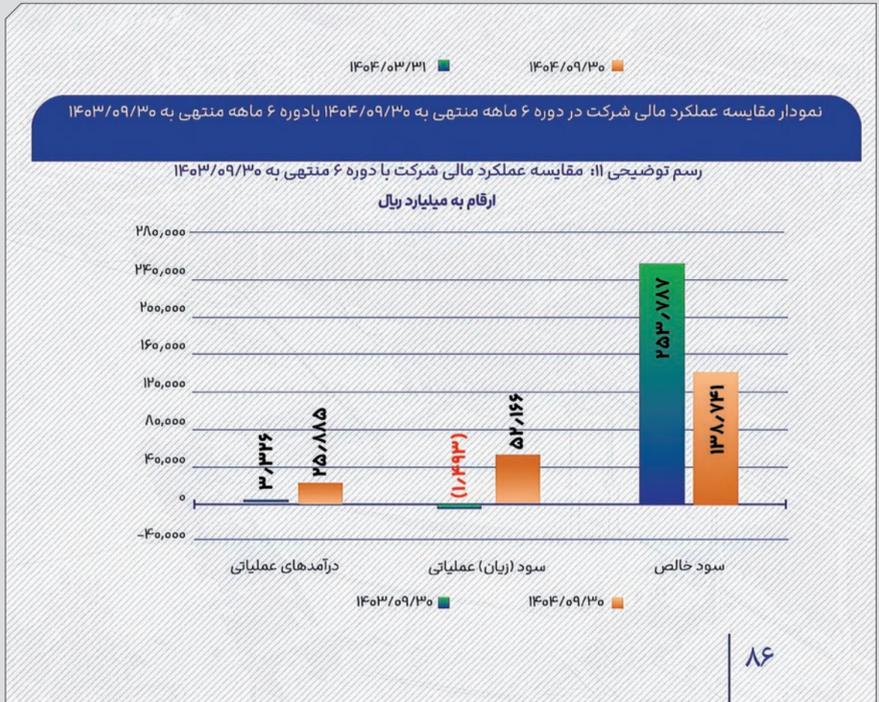
بر اساس گزارش مرکز آمار نرخ تورم نقطه به نقطه به نطفه مناطق شهری کشور در بهمن ماه امسال به ۶۶ درصد رسید که بالاترین رقم تورم پس از انقلاب محسوب می شود. علت این افزایش بی سابقه تورم، اقدام دولت پزشکیان در حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی است. بدین ترتیب حذف ارز ترجیحی نه تنها به نفع مردم نشده بلکه شدیدترین تورم پس از انقلاب را هم به مردم تحمیل کرده است.

تا پیش از این رکورد بالاترین تورم نقطه به نقطه به نطفه مناطق شهری کشور در دوران پس از انقلاب، به دولت رئیسانیان تعلق داشت که در اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۴ این شاخص به ۵۹٫۱ درصد رسیده بود و بعد از آن به مدت ۳ دهه دست نخورده باقی مانده بود تا اینکه دولت پزشکیان توانست این رکورد هم را بشکند.

بالاترین تورم های نقطه به نقطه مناطق شهری در تاریخ پس از انقلاب به شرح زیر است:

ماه	تورم نقطه به نقطه (%)	دولت
بهمن ۱۴۰۴	۶۶	دولت پزشکیان
اردیبهشت ۱۳۷۴	۵۹٫۱	دولت رئیسانیان
خرداد ۱۳۷۴	۵۹٫۱	دولت رئیسانیان
دی ۱۴۰۴	۵۸٫۱	دولت پزشکیان

انتقاد از شریعتمداری معادل اخلاق در امنیت ملی شد



شرح عکس: صفحه ۸۶ گزارش رسمی هلدینگ خلیج فارس که بیانگر کاهش ۴۵ درصدی سوددهی شرکت در سال جاری است

سهام نزدیک به ۵۰ میلیون ایرانی دارند سهام عدالت است، نه انتقاد از عملکرد یک چهره اصلاح طلب در هلدینگ خلیج فارس.

مطلب چارسوق چه بود؟

طبق گزارش چارسوق، سود خالص هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس (با مدیریت محمد شریعتمداری از سیاسیون اصلاح طلب) در ۶ ماه منتهی به ۳۰ آذرماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵ درصد سقوط کرده است. طبق صورت های مالی که هلدینگ خلیج فارس به طور رسمی منتشر کرده، سود خالص این شرکت در ۶ ماه منتهی به ۳۰ آذرماه امسال ۱۳۸۷۴ میلیارد تومان بوده که نسبت به رقم مدت مشابه سال قبل که ۲۵۳۷۹ میلیارد تومان بود، ۴۵ درصد افت نشان می دهد و تقریباً نصف شده است. به عبارت دیگر سود خالص هلدینگ خلیج فارس نسبت به سال قبل ۱۱۵۰ میلیارد تومان کمتر شده که یک فاجعه در مدیریت محمد شریعتمداری محسوب می شود.

مبتهی بر اطلاعاتی است که خود هلدینگ خلیج فارس به عنوان عملکردش منتشر کرده و اگر ذره ای این مطلب نادرست بود، محمد شریعتمداری در شکایت از چارسوق خودداری نمی کرد همانطور که قبلاً هم از چارسوق شکایت کرده بود اما چارسوق تبرئه شد. نحوه برخورد این رسانه های اصلاح طلب با عملکرد نادرست محمد شریعتمداری بار دیگر نشان می دهد جریان اصلاح طلب تا چه حد جناح زده است و اگر فردی از این جریان، سود یک هلدینگ اقتصادی بزرگ کشور را نصف کند، به جای انتقاد از عملکرد او، صرفاً برای اینکه هم حزبی آنها است به حمایت از وی دفاع جناحی می پردازند.

این در حالی است که هلدینگ خلیج فارس یک شرکت خصوصی نیست و متعلق به بیت المال است و نزدیک به ۵۰ میلیون ایرانی دارنده سهام عدالت، سهامدار هلدینگ خلیج فارس هم محسوب می شوند و سقوط سوددهی این شرکت به معنای زیان دیدن این تعداد عظیم سهامداران است. بنابراین اگر چیزی را باید مصداق برهم زدن امنیت روانی جامعه تلقی کرد، قطعاً کاهش سود

به دنبال انتشار مطلبی در روزنامه چارسوق درباره کاهش ۴۵ درصدی سوددهی هلدینگ خلیج فارس به مدیریت محمد شریعتمداری، برخی رسانه های اصلاح طلب در روزهای اخیر در حمایت از شریعتمداری به توجیهات مضحکی روی آورده اند. مثلاً در مطلبی که در برخی رسانه های اصلاح طلب منتشر شده، تیتر «تلاش چارسوق برای ناپایداری امنیت روانی جامعه» انتخاب شده و مطلب چارسوق درباره سقوط ۴۵ درصدی سوددهی هلدینگ خلیج فارس با مدیریت شریعتمداری، معادل «برهم زدن امنیت روانی جامعه» قلمداد شده است.

در ادامه این مطلب که به طور گسترده در کانال های اصلاح طلب در تلگرام هم پخش شده، از رسانه های اقتصادی (منظورشان چارسوق است) خواسته شده از شایعه پراکنی و دروغ پراکنی خودداری کنند. همچنین در ادامه، مطلب چارسوق با تعبیری همچون «سرتاسر دروغ یا فاقد اطلاعات درست و خبری تھی از واقعیت» توصیف شده است. این در حالی است که مطلب چارسوق کاملاً مستند و



پرونده عدم بازگشت ارز روی مین‌نهادهای نظارتی

بانک مرکزی با معرفی فهرستی شامل بیش از ۲۰ هزار صادرکننده به سازمان تعزیرات حکومتی و ورود ویژه سازمان بازرسی کل کشور به پرونده‌های عدم بازگشت ارز صادراتی، پرونده ۱۰۰ میلیارد دلار ارز صادراتی را وارد مرحله تازه‌ای از پیگیری و تعیین تکلیف کرده است. این اقدام با هدف شفاف‌سازی، صیانت از منابع ارزی و مدیریت پایدار بازار ارز انجام شده و پیام روشنی به فعالان اقتصادی درباره الزام به ایفای تعهدات ارزی ارسال می‌کند. در حالی که طی سال‌های اخیر ارقامی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درباره عدم بازگشت ارز صادرات غیرنفتی مطرح شده، اکنون با تشدید پیگیری‌های نظارتی، فهرست بیش از ۲۰ هزار شخص حقیقی و حقوقی از سوی بانک مرکزی به تعزیرات حکومتی معرفی شده و سازمان بازرسی کل کشور نیز پرونده‌ها را به‌طور ویژه دنبال می‌کند؛ تحولی که موضوع ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان را وارد مرحله تازه‌ای بر بخورد و تعیین تکلیف کرده است.

در ماه‌های اخیر، موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی بار دیگر به یکی از محورهای اصلی مباحث اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که به دلیل تأثیر مستقیم بر مدیریت بازار ارز، تأمین نیازهای وارداتی و ثبات اقتصاد کلان، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی بوده است. در این میان، طرح ارقامی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درباره میزان عدم بازگشت ارز صادرات غیرنفتی طی چند سال اخیر، حساسیت‌ها را دوچندان کرده و ضرورت شفاف‌سازی و اقدام اجرایی را افزایش داده است. براساس اطلاعات مطرح شده در نشست‌های اخیر با فعالان اقتصادی در اتاق بازرگانی تهران، مسئولان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گزارشی از آخرین وضعیت ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان ارائه کرده‌اند. طبق این توضیحات، بانک مرکزی در چارچوب وظایف قانونی خود و با هدف صیانت از منابع ارزی کشور، فهرست بالغ بر بیش از ۲۰ هزار شخص حقیقی و حقوقی را که نسبت به بازگشت ارز صادراتی خود اقدام نکرده‌اند، به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی کرده است.

این اقدام در شرایطی صورت گرفته که طی هفته‌های گذشته، برخورد با صادرکنندگانی که تعهدات ارزی خود را ایفا نکرده‌اند، به یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فضای اقتصادی کشور تبدیل شده بود. از یک سو، سیاست‌گذار ارزی تأکید دارد که بازگشت ارز حاصل از صادرات برای تأمین نیازهای وارداتی، مدیریت بازار و جلوگیری از فشار بر نرخ ارز ضروری است. از سوی دیگر، بخشی از فعالان اقتصادی نسبت به نحوه فرآخوان‌ها و انتشار برخی فهرست‌ها انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. در همین چارچوب، مسئولان بانک مرکزی اعلام کرده‌اند که بخش قابل توجهی از فهرست منتشرشده از دقت لازم برخوردار است، هرچند ممکن است در مواردی اشکالات جزئی وجود داشته باشد که قابل بررسی و اصلاح است. به گفته‌های مسئولان، هدف اصلی از انتشار و ارجاع این فهرست‌ها، ایجاد شفافیت، تسریع در بازگشت ارز و تفکیک صادرکنندگان خوش حساب از افرادی است که به تعهدات قانونی خود پایبند نبوده‌اند.

سازمان بازرسی کل کشور نیز به‌طور جدی موضوع پرونده‌های مربوط به عدم بازگشت ارز صادراتی را پیگیری کرده است. ورود این نهاد نظارتی به پرونده‌ها نشان‌دهنده حساسیت حاکمیت نسبت به مدیریت منابع ارزی و جلوگیری از خروج سرمایه از چرخه رسمی اقتصاد است. بر اساس پیگیری‌های انجام شده، روند رسیدگی قضایی برای تعیین تکلیف وضعیت مجموعه‌ها، شرکت‌ها و اشخاصی که به تعهدات قانونی خود در زمینه بازگشت ارز صادراتی عمل نکرده‌اند، آغاز شده و پرونده‌ها در مسیر بررسی قرار گرفته است.

در همین راستا، فهرست اشخاص حقیقی و حقوقی که نسبت به ایفای تعهدات ارزی خود اقدام نکرده‌اند، به دستگاه نظارتی مرتبط با قوه قضائیه معرفی شده تا اقدامات لازم در چارچوب قانون انجام شود. گفته می‌شود هدف از این اقدام، صیانت از منابع ارزی کشور، بازگرداندن ارزهای حاصل از صادرات در چرخه رسمی اقتصاد و برخورد قانونی با متخلفان احتمالی است. این اقدام می‌تواند پیام روشنی به بازار درباره عزم سیاست‌گذار برای انتظام بخشی به حوزه صادرات و ارز ارسال کند.

با این حال، برخی فعالان اقتصادی معتقدند بخشی از مشکلات مربوط به بازگشت ارز ناشی از پیچیدگی‌های مقرراتی است و برای تعدادی از این افراد، میزان رفح تعهد به مقدار قابل توجهی پیش رفته و در این فرآخوان‌ها سخت‌گیری جدی اعمال شده است. آنان تأکید دارند که در کنار برخورد با متخلفان، باید سازوکارهای اجرایی نیز به‌گونه‌ای اصلاح شود که صادرکنندگان واقعی و خوش سابقه با چالش‌های اداری و حقوقی غیرضروری مواجه نشوند.

در مجموع، به نظر می‌رسد پرونده بازگشت ارزهای صادراتی وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ مرحله‌ای که در آن، هم ابزارهای نظارتی و قضایی فعال شده‌اند و هم گفت‌وگو با بخش خصوصی برای رفع ابهامات ادامه دارد. تعیین تکلیف دقیق آمارهای مطرح شده، از جمله رقم حدود ۱۰۰ میلیارد دلار عدم بازگشت ارز در سال‌های گذشته و تفکیک بدحکاران واقعی از موارد اختلافی می‌تواند نقش مهمی در بازسازی اعتماد میان سیاست‌گذار و فعالان اقتصادی ایفا کند؛ اعتمادی که برای تداوم صادرات غیرنفتی و مدیریت پایدار بازار ارز، یک ضرورت انکارناپذیر به شمار می‌رود.



تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای ایران؛

تنش تازه در روابط آمریکا و چین

گزارش

تهدید دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر کشورهایهایی که با ایران تجارت می‌کنند، در عمل چین را به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری تهران در کانون فشار قرار می‌دهد و آتش بس شکننده تجاری میان واشنگتن و پکن را با خطر

جدی مواجه می‌سازد. تجربه جنگ تجاری پیشین نشان می‌دهد چنین اقداماتی می‌تواند به واکنش تلافی‌جویانه چین و آسیب به بخش‌هایی مانند کشاورزی آمریکا منجر شود. بازگشته به تعرفه به عنوان ابزار تقابل، چشم‌انداز روابط اقتصادی دو اقتصاد بزرگ جهان را بار دیگر در معرض بی‌ثباتی قرار می‌دهد.

به گزارش مسیراقتصاد، تهدید ترامپ برای اعمال تعرفه ۲۵

تهدیدی فراتر از تهران؛ چین در کانون توجه

تهدید دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر کشورهایهایی که با ایران تجارت می‌کنند، پیامدهایی به همراه دارد که بسیار فراتر از تهران است. هرگاه واشنگتن سیاست ایران را به اجرای قوانین تجارت جهانی گره می‌زند، تمرکز ناگزیر به سمت پکن معطوف می‌شود.

چین همچنان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است، به این معنا که هر اقدام جدی برای جرمه کردن روابط تجاری با تهران به سرعت به آزمونی مستقیم برای رابطه ایالات متحده و چین و همچنین تعادل شکننده‌ای تبدیل می‌شود که به تازگی پس از سال‌ها مناقشه تجاری، شروع به بازپدیدار شدن کرده است.

تفاهم موقتی که عمدتاً از آن به عنوان آتش‌بس یاد می‌شد و در اواخر سال گذشته حاصل شد، وقفه‌ای کوتاه پس از دوره‌ای طولانی از تشدید تعرفه‌ها، کنترل‌های صادراتی و اقدامات تلافی‌جویانه ایجاد کرد. واشنگتن برخی مجازات‌ها را کاهش داد، پکن محدودیت‌های صادرات مواد معدنی کمیاب را بسه حالت تعلیق درآورد و شرکت‌ها در هر دو طرف محتاطانه شروع به بازسازی اعتمادی کردند که در سال‌های اخیر فرسایش یافته بود. این پیشرفت اکنون با فشار مجددی روبه‌رو شده است، زیرا تهدیدات تعرفه‌ای بار دیگر به مرکز بحث‌های سیاسی بازمی‌گردند.

تعرفه ۲۵ درصدی؛ از ابزار مذاکره تا سازوکار تقابل

تعرفه پیشنهادی ۲۵ درصدی بسیار فراتر از یک تعدیل فنی است. این نشانه بازگشت به تشدید تنش‌ها به عنوان رویکردی پیش‌فرض است و نشان‌دهنده تغییریی از سیاست تجاری به عنوان ابزاری برای مذاکره به سمت استفاده از آن به عنوان ابزاری برای تقابل است.

تجربه نشان داده است که چنین تهدیدهایی معمولاً به اقدامات تلافی‌جویانه منجر می‌شود. هشدارهای فوری پکن علیه تحریم‌های یکجانبه نشان‌دهنده درک این واقعیت است که تهدیدات تعرفه‌ای به ندرت به عنوان زست‌های مجزا باقی می‌مانند. آن‌ها به اقدام تلافی‌جویانه تبدیل می‌شوند و اقدام تلافی‌جویانه نیز به نوبه خود کل چشم‌انداز روابط اقتصادی را درگیر می‌کند.

بخش کشاورزی اولین جایی است که تأثیر آن را احساس خواهد کرد. صادرات سویای آمریکا به چین هرگز از جنگ‌های تجاری قبلی به‌طور کامل بهبود نیافت و کشاورزان آمریکایی به خوبی یاد گرفتند که وقتی سیاست وارد زنجیره تأمین می‌شود، دسترسی به بازارهای خارجی با چه سرعتی از بین می‌رود.

ظهوریان: «مارپیچ دستمزد-تورم» در اقتصاد ایران مصداق ندارد



یک نماینده مجلس عنوان کرد افزایش حقوق کارگران و کارمندان یکی از عوامل خروج از رکود اقتصادی است. ظهوریان، نماینده مجلس شورای اسلامی، در اظهاراتی با اشاره به برخی «خطاهای ذهنی» در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اظهار داشت: در برخی موارد همچنان به نظریات تاریخ‌مصرف گذشته استناد می‌شود که با واقعیت‌های امروز اقتصاد ایران همخوانی ندارد.

وی با اشاره به نظریه موسوم به «مارپیچ دستمزد-تورم» گفت: در این نظریه دو کانال برای شکل‌گیری تورم ناشی از افزایش دستمزد مطرح می‌شود؛ نخست از سمت تقاضا. بدین معنا که با افزایش حقوق، قدرت خرید بالا رفته و تورم تشدید می‌شود. در حالی‌که اگر افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم باشد، عملاً قدرت خرید ساد قبل حفظ می‌شود و افزایش تقاضای مازادی شکل نمی‌گیرد.

این نماینده مجلس افسزود: کانال دوم مربوط به افزایش هزینه‌های تولید است؛ به این معنا که رشد دستمزد، هزینه تمام‌شده کالا را بالا برده و موجب تورم می‌شود. این در حالی است که سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده تولید در اقتصاد ایران حدود ۵ تا ۱۰ درصد برآورد می‌شود و بنابراین اثرگذاری آن بر تورم چندان قابل توجه نیست.

ظهوریان با تأکید بر آثار مثبت افزایش حقوق بر بخش واقعی اقتصاد تصریح کرد: کارگران و کارمندان، به‌ویژه حداقل‌گیران، دارای تقاضای انباشته و عقب‌افتاده هستند؛ بنابراین افزایش حقوق آن‌ها عمدتاً صرف مصرف مؤثر می‌شود، نه ورود به بازارهای سفته‌بازانه. این مصرف مؤثر به افزایش تقاضای کل و در نتیجه رونق تولید و فعال شدن ظرفیت‌های خالی بنگاه‌ها منجر می‌شود.

وی ادامه داد: افزایش تقاضا در شرایط رکودی می‌تواند به تحریک سمت عرضه اقتصاد نیز کمک کند و از فشار مضاعف بر بنگاه‌های اقتصادی بکاهد. در مقابل، تداوم کاهش قدرت خرید، به رکود بیشتر و کوچک شدن بخش مولد اقتصاد می‌انجامد.

این نماینده مجلس با اشاره به دغدغه‌های مربوط به کسری بودجه نیز گفت: افزایش حقوق می‌تواند از چند مسیر به بهبود درآمد‌های دولت کمک کند؛ از جمله افزایش مالیات بر درآمد، مالیات بر سود شرکت‌ها و مالیات بر ارزش افزوده، چراکه با رونق تولید و افزایش خرید مردم، پایه‌های مالیاتی نیز تقویت می‌شود.

ظهوریان همچنین با بیان اینکه تصمیم‌گیری درباره حقوق و دستمزد صرفاً یک موضوع اقتصادی نیست، خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی، این مسئله دارای ابعاد اجتماعی و حتی امنیتی است و بی‌توجهی به معیشت مردم می‌تواند زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم کند.

وی پایان تأکید کرد: در بخش دولتی نیز پیمان بودن حقوق‌ها موجب خروج نیروهای متخصص و کارآمد، افزایش نارضایتی و گسترش فساد اداری می‌شود؛ بنابراین تصمیم‌گیری در این حوزه باید با نگاه جامع اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی صورت گیرد.



ورقابت سازنده میان بنگاه‌ها و عوامل بیرونی مانند سیاست‌های دولت و رخدادها است. این تعاملات موجب می‌شود که شرکت‌ها به جای فعالیت در قالب یک سازمان عمودی و صلب، در یک شبکه منعطف با هم تعامل داشته باشند که این امر سرعت نوآوری و یادگیری سازمانی را به شدت افزایش می‌دهد.

اهداف راهبردی ووجه نماز خوشه‌ها از پارک‌های صنعتی

هدف اصلی از تشکیل خوشه‌ها، ارتقای توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی از طریق کاهش هزینه‌های عملیاتی و بهینه‌سازی زنجیره تأمین است. خوشه‌ها با مدیریت متمرکز انرژی و دفع پسماند، نه تنها کارایی منابع را افزایش می‌دهند، بلکه اثرات محیط‌زیستی را به حداقل رسانده و به پایداری تولید کمک می‌کنند. علاوه بر این، خوشه‌ها با ایجاد یک ساختار منعطف، تاب‌آوری صنعت را در برابر شوک‌های اقتصادی و نوسانات بازار افزایش می‌دهند.

باید توجه داشت که هر تجمع صنعتی رانمی‌توان یک خوشه نامید؛ برای مثال، گروه‌های کوچک که صرفاً در قالب یک تعاونی ساده فعالیت می‌کنند یا شرکت‌های بزرگی که تمام مراحل تولید را به صورت درون‌سازمانی (یکپارچه عمودی) انجام می‌دهند، فاقد ویژگی‌های بنیادین یک خوشه هستند. تفاوت اصلی میان پارک‌های شیمیایی و خوشه پتروشیمی در این است که پارک یک سایت صنعتی با مدیریت واحد و متمرکز بر زیرساخت‌های فیزیکی است، در حالی که خوشه یک شبکه وسیع‌تر و پویاتر است که

هدف اصلی از تشکیل خوشه‌ها، ارتقای توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی از طریق کاهش هزینه‌های عملیاتی و بهینه‌سازی زنجیره تأمین است. خوشه‌ها با مدیریت متمرکز انرژی و دفع پسماند، نه تنها کارایی منابع را افزایش می‌دهند، بلکه اثرات محیط‌زیستی را به حداقل رسانده و به پایداری تولید کمک می‌کنند. علاوه بر این، خوشه‌ها با ایجاد یک ساختار منعطف، تاب‌آوری صنعت را در برابر شوک‌های اقتصادی و نوسانات بازار افزایش می‌دهند.

باید توجه داشت که هر تجمع صنعتی رانمی‌توان یک خوشه نامید؛ برای مثال، گروه‌های کوچک که صرفاً در قالب یک تعاونی ساده فعالیت می‌کنند یا شرکت‌های بزرگی که تمام مراحل تولید را به صورت درون‌سازمانی (یکپارچه عمودی) انجام می‌دهند، فاقد ویژگی‌های بنیادین یک خوشه هستند. تفاوت اصلی میان پارک‌های شیمیایی و خوشه پتروشیمی در این است که پارک یک سایت صنعتی با مدیریت واحد و متمرکز بر زیرساخت‌های فیزیکی است، در حالی که خوشه یک شبکه وسیع‌تر و پویاتر است که

هدف اصلی از تشکیل خوشه‌ها، ارتقای توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی از طریق کاهش هزینه‌های عملیاتی و بهینه‌سازی زنجیره تأمین است. خوشه‌ها با مدیریت متمرکز انرژی و دفع پسماند، نه تنها کارایی منابع را افزایش می‌دهند، بلکه اثرات محیط‌زیستی را به حداقل رسانده و به پایداری تولید کمک می‌کنند. علاوه بر این، خوشه‌ها با ایجاد یک ساختار منعطف، تاب‌آوری صنعت را در برابر شوک‌های اقتصادی و نوسانات بازار افزایش می‌دهند.

باید توجه داشت که هر تجمع صنعتی رانمی‌توان یک خوشه نامید؛ برای مثال، گروه‌های کوچک که صرفاً در قالب یک تعاونی ساده فعالیت می‌کنند یا شرکت‌های بزرگی که تمام مراحل تولید را به صورت درون‌سازمانی (یکپارچه عمودی) انجام می‌دهند، فاقد ویژگی‌های بنیادین یک خوشه هستند. تفاوت اصلی میان پارک‌های شیمیایی و خوشه پتروشیمی در این است که پارک یک سایت صنعتی با مدیریت واحد و متمرکز بر زیرساخت‌های فیزیکی است، در حالی که خوشه یک شبکه وسیع‌تر و پویاتر است که

افت‌رتبه ونمره دولت ترامپ در شاخص ادراک فساد

کاهش رتبه ونمره آمریکا از نظر ادراک فساد، یکی از نکات جالب توجه گزارش اسمال موسسه بین‌المللی شفافیت بود. آمریکا در سال ۲۰۲۵ به تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ قرار داشت، یک پله در رده‌بندی جهانی نزول کرد و در رتبه ۳۰ قرار

گرفت. همچنین این کشور که در شاخص ادراک فساد سال ۲۰۲۴ نمره ۶۵ کسب کرده بود، در گزارش اسمال نمره ۶۴ به ۱۰۰ در نظر گرفته شده است. ۱۲۳ کشور در این شاخص نمره زیر ۵۰ دریافت کرده‌اند که نشان‌دهنده گستردگی فساد اداری در سطح جهان است. اسمال کشورهای دانمارک، فنلاند و سنگاپور با کسب نمره‌های ۸۸، ۸۸، ۸۹ و ۸۴ به ترتیب پاک‌ترین کشورها از نظر فساد بوده‌اند.

رتبه ونمره دولت ترامپ در شاخص ادراک فساد

کاهش رتبه ونمره آمریکا از نظر ادراک فساد، یکی از نکات جالب توجه گزارش اسمال موسسه بین‌المللی شفافیت بود. آمریکا در سال ۲۰۲۵ به تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ قرار داشت، یک پله در رده‌بندی جهانی نزول کرد و در رتبه ۳۰ قرار

خوشه‌های پتروشیمی؛ راهی برای گذار از تولید جزیره‌ای به زیست‌بوم صنعتی

محمد مهدی شکاری

خوشه پتروشیمی یک زیست‌بوم راهبردی و شبکه‌ای از بنگاه‌های مستقل، تأمین‌کنندگان و نهادهای علمی است که با بهره‌گیری از تراکم جغرافیایی و رقابت و همکاری هم‌زمان، به دنبال افزایش نوآوری و توان رقابتی جهانی است. این ساختار فراتر از پارک‌های صنعتی فیزیکی است و یا تکیه بر تخصص‌گرایی، تأمین پایدار منابع و بهینه‌سازی زنجیره تأمین براساس انواع خوراک، پویایی صنعت را تضمین می‌کند.

صنعت پتروشیمی در دهه‌های اخیر از یک مدل تولیدی متمرکز و خطی به سمت ساختارهای شبکه‌ای و هم‌افزادنت عنوان خوشه‌های پتروشیمی حرکت کرده است. این خوشه‌ها که مفهومی بسیار گسترده‌تر از پارک‌های شیمیایی یا سایت‌های صنعتی ساده دارند، در واقع اتصال مدیریتی و تبادل‌ات واحدهای کسب‌وکار، تأمین‌کنندگان تخصصی، مؤسسات آموزشی و نهادهای پشتیبان هستند که در یک پیوند یکپارچه، خوشه را شکل داده‌اند. برخلاف نگاه سنتی که پتروشیمی‌ها را واحه‌هایی کاملاً مجزا از یکدیگر در نظرمی‌گرفت، در یک خوشه، شرکت‌های مستقل در حالی که در بازار با هم رقابت می‌کنند، در حوزه‌هایی نظیر زیرساخت، انتقال فناوری و مدیریت منابع با یکدیگر همکاری دارند. این رویکرد خوشه‌را به عنوان تجلی هم‌زمان رقابت و همکاری معرفی می‌کند که هدف نهایی آن ایجاد یک مزیت رقابتی پایدار و پویا در سطح جهانی است.

مبانی ساختاری و پویایی زیست‌بوم در خوشه‌های پتروشیمی

یک خوشه پتروشیمی به عنوان یک سیستم پیچیده انطباقی عمل می‌کند که لایه‌های مختلفی از بازیگران را در برمی‌گیرد. مطابق شکل زیر در هسته اصلی این ساختار، تولیدکنندگان مواد شیمیایی قرار دارند که موتور محرک زنجیره ارزش محسوب می‌شوند. در لایه‌های پیرامونی، تأمین‌کنندگان تجهیزات، مشاوران فنی، بیمه‌انکاران فرعی، واحدهای حمل‌ونقل و مؤسسات تحقیق و توسعه حضور دارند که تداوم و پایداری تولید را تضمین می‌کنند. یکی از ویژگی‌های کلیدی این ساختار، تراکم جغرافیایی است که با نزدیکی فیزیکی واحدها، موجب تسهیل تبادل دانش ضمنی و کاهش چشمگیر هزینه‌های لجستیکی می‌گردد.

در این زیست‌بوم، پویایی از طریق تقسیم کار تخصصی میان بنگاه‌های کوچک و متوسط و دسترسی به نیروی انسانی متخصص حاصل می‌شود. مایکل پورتر در مدل الماس تبیین می‌کند که رقابت‌پذیری خوشه‌های صنعتی محصول تعامل ساختاری میان عوامل درونی همچون شرایط تولید، تقاضای کیفی، حضور صنایع پشتیبان کارآمد

شاخص ادراک فساد؛ ثبات نمره ایران و افت‌رتبه ونمره آمریکا

موسسه بین‌المللی شفافیت در جدیدترین گزارش خود از ثابت ماندن نمره ایران در شاخص ادراک فساد و افت رتبه ونمره آمریکا در این شاخص خبر داد. موسسه بین‌المللی شفافیت در جدیدترین گزارش خود از شاخص ادراک فساد، ایران را در بین ۱۸۲ کشور جهان در رتبه ۱۵۵ قرار داد. ایران در گزارش سال پیش این موسسه در میان ۱۸۰ کشور رتبه ۱۵۳ به دست آورده بود.

بر اساس این گزارش نمره ایران در شاخص ادراک فساد نیز ۲۳ اعلام شده است. با وجود کاهش ۲ پله‌ای ایران در رده‌بندی جهانی، نمره ایران در شاخص ادراک فساد نسبت به سال قبل افزایش یا کاهش نداشته است.

نمره زیر ۵۰ سوم کشورهای جهان در شاخص ادراک فساد



اخبار ۳

تاجر بیفتد. هدف این اقدام، کاهش وابستگی به شبکه‌های تراستی و صرفه‌جویی ارزی بود. تغییر مسیر این فرآیند به سمت «تحویل نفت به اشخاص»، تمام آن دستاوردها را وارونه می‌کند. ما نباید به عقب بازگردیم؛ بلکه باید آن تجربه موفق را به سمت «سیستم پرداخت رسمی» ارتقا دهیم.

راهکار جایگزین؛ نقشه‌راه خروج از تراستی بازی

حذف مسئله با «دادن نفت به افراد» راه‌حل نیست؛ اصلاح ریل‌گذاری تجاری و بانکی ضروری است. فروش نفت باید در قالب قراردادهای دولت-به-دولت انجام شود تا امکان صدور فاکتور و ایجاد حساب رسمی فراهم شود. درآمدهای حاصل باید برای تأمین مالی پروژه‌های دارای آورده ارزی در داخل کشور و نه صرف هزینه‌های جاری تخصیص یابد.

همچنین فروش نفت باید مشروط به تأمین بخشی از کالای اساسی توسط خریدار نفت و ورود آن طرف به پیمانکاری پروژه‌های زیرساختی که آورده ارزی خلق می‌کنند، باشد. از طرفی به جای تمرکز صرف بر کالای نهایی، بخشی از نفت باید در ازای کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه وارد شود تا زنجیره تولید داخلی تقویت گردد.

وزارت جهاد باید مبدا خرید را بازنگری کند، خرید کالا باید از کشورهایی صورت گیرد که مقصد صادرات نفت ایران نیز هستند (مانند چین)، نه از بازارهایی که ارتباط تجاری دوجانبه با نفت ندارند. توسعه تهاوت نفت خام، فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی با کالای اساسی باید مستقیم با کشورهای تولیدکننده (مثلاً قزاقستان) بدون دخالت واردکنندگان در فروش نفت انجام شود.

راهکار نهایی

پیشنهاد وزارت جهاد برای «نفت در برابر نفت واردکننده» بازگشتی به رویه‌های پرهزینه و فسادزا محسوب می‌شود که انحصار فروش نفت را تضعیف می‌کند و نظام تراستی را تعمیق می‌بخشد. راهکار صحیح باید بر یک مسیر سه‌مرحله‌ای استوار باشد. در گام نخست، حاکمیت باید انحصار فروش نفت را به‌طور کامل حفظ کند و از ورود اشخاص و

واردکنندگان به بازار فروش نفت جلوگیری نماید.

در گام دوم، دولت باید تهاوت مستقیم را به‌عنوان یک مرحله میانی و کنترل شده اجرا کند و تجربه موفق دولت قبل را به‌عنوان یک شروع مناسب قبل از اقدام مقدماتی در نظر بگیرد. در گام نهایی، سیاست‌گذار باید به سمت استقرار کانال‌های پرداخت رسمی حرکت کند و تهاوت را نه مقصد نهایی، بلکه ابزاری برای گذار به نظام پرداخت رسمی با شرکای تجاری راهبردی بداند.

دولت باید با اتصال به سامانه‌های پیام‌رسان مالی مستقل، مانند CIPS چین، زمینه‌ای فراهم کند تا تجارت نفت و کالا از زیر سایه شبکه‌های تراستی خارج شود و در بستری رسمی، شفاف و پایدار جریان یابد.



چرا واگذاری فروش نفت به واردکنندگان نهاده یک خطای راهبردی است؟

سیاست‌گذاران فراهم می‌کند.

گزارش

واگذاری فروش نفت به واردکنندگان نه فقط مسئله تأمین کالای اساسی را حل نمی‌کند، بلکه با تعمیق شبکه‌های تراستی، تضعیف انحصار حاکمیتی فروش نفت و ایجاد رانت، هزینه‌های اقتصادی و امنیتی کشور را افزایش می‌دهد. راه‌حل پایدار، حفظ فروش نفت در سطح حاکمیتی، استفاده محدود از تهاوت مستقیم دولتی به‌عنوان گام گذار و حرکت نهایی به سمت کانال‌های پرداخت رسمی و مستقل است.

اخیراً وزارت جهاد کشاورزی پیشنهادی با عنوان «تجارت نفت در برابر غذا» مطرح کرده است. طبق این پیشنهاد، واردکنندگان نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی برای دریافت محموله‌های نفتی به وزارت نفت معرفی می‌شوند. با وجود انگیزه ظاهری برای تأمین ارز جهت واردات، بررسی‌های فنی و اقتصادی نشان می‌دهد که تحویل مستقیم نفت به واردکنندگان چه خصوصی و چه خصولتی - خطای راهبردی است که منافع کلان اقتصادی و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. این نوشتار، با تمرکز بر پیامدهای عملیاتی طرح و تفاوت آن با تجربه موفق تهاوت دولتی پیشین، پنج پیشنهاد جایگزین ارائه می‌دهد و چارچوبی عملیاتی برای

چرا شاه علی‌رغم ۹ برابر شدن درآمد نفت سقوط کرد؟

طی سال‌های ۵۰ تا ۵۵ درآمد نفت ۹ برابر شد؛ ولی این پول خرج توهمات شاه پهلوی و دربار شد، نه مردم. سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در ایران منشأ رخدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار گسترده‌ای است؛ ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱، افزایش بی‌حدوحصر فروش نفت در اوایل دهه ۵۰، مهاجرت گسترده روستاییان و گسترش بی‌رویه شهرنشینی ازجمله این موارد هستند. در این دوره با افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی ایران نیز که ازجمله مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی هستند، به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافتند، چنان‌که تولید ناخالص داخلی ایران از ۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۲۸ به ۲۴۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ رسید و رشد اقتصادی نیز در دوره مذکور از ۱۷ تا ۵ درصد در نوسان بوده است. بررسی وضعیت درآمدهای نفتی در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۸ نیز نشان می‌دهد طی این دوره درآمد نفتی کشور از ۲۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۸ به دو میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار تا سال ۱۳۵۰ و به ۲۰ میلیارد و ۷۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ رسیده بود، به عبارتی طی پنج سال (سال‌های ۵۰ تا ۵۵) درآمد نفتی شاه نزدیک به ۹ برابر رشد کرده بود که این وضعیت شاه را در یک وضعیت متوهمانه قرار می‌داد که خود از آن به‌عنوان «تمدن بزرگ» نام می‌برد. اما آنچه اتفاق افتاد، در ظاهر برای توسعه سریع اقتصاد کشور بود اما او به طرز دیوانه‌وار مشغول قرض گرفتن از خارج، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و … بود، به‌طوری‌که بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۱ موازنه پرداخت‌های ایران تقریباً بی‌وقفه کسری داشت و سرمایه‌های زیادی در راه طرح‌های تجملی و غیراقتصادی صرف شد.

محمدعلی همایون کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» آورده است: «آیا این فدا کردن ثروت اجتماعی ایران به‌راستی برای توسعه سریع اقتصادی صورت می‌گرفت؟ جواب آری است اگر «توسعه اقتصادی» عبارت باشد از: رشدانی و فراینده در استفاده از وسایل نقلیه، وسایل خانگی، تعطیلات خارج، تفریحات عرضه‌شده در رستوران‌ها و قمارخانه‌ها، خانه‌های کاخ‌مانند و مانند اینها توسط اقلیتی ممتاز؛ هزینه‌های سرسام‌آور نظامی و برپا دادن سرمایه کشور در تاج‌گذاری دیر هنگام (۱۳۴۷)، جشنی مسفک و بین‌المللی به‌بهانه مهموم ۲۵۰ سال پادشاهی ایران (۱۳۵۰)، دهمین سالگرد ضد انقلاب خونین شاه (۱۳۵۲) و تقنین‌های سالانه فرح در شیراز به‌نام «جشن هنر» که در آن علاوه بر اتلاف پول‌های فراوان، زندگی روزمره مردم محل به‌گل‌ی مختل می‌شد، موسیقی جدید غربی در بازار قدیمی شیراز نواخته می‌شد و تجار با حربه تهدید وارد می‌شدند مغازه‌هایشان را باز نگاه دارند تا ساسی‌های لشکر لازم را فراهم آورند و تأثیر موسیقی بر آنها مشاهده شود و خرابه‌های تخت‌جمشید به جولاگاه‌نودلنگان درباری بین‌المللی و تماشای جشن شهبه‌مدیریتستی ایرانی‌شان بدل می‌شد.» (کاتوزیان، صفحه ۳۱۲)

محققان در پاسخ به این سؤال که دلایل اقتصادی رخداد انقلاب اسلامی چه بود، همگی به دو عامل اصلی «استبداده» و «سرنوشت

چرا «نفت دادن به واردکننده» سیاستی نامناسب است؟
هدف راهبردی باید حذف واسطه‌ها و حرکت به سمت سیستم‌های پرداخت رسمی باشد، اما پیشنهاد فعلی مسیر معکوس را می‌پیماید. تحویل نفت به واردکننده‌ای که زیرساخت بانکی یا تجاری فروش نفت را ندارد، او را ناگزیر به انکار بر شبکه‌های غیررسمی و دلالان می‌کند و در نتیجه، یک فروشنده واحد—شرکت ملی نفت—به ده‌ها «تراستی خرد و غیرپاسخگو» تبدیل می‌شود که هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهند، شفافیت فروش نفت را کاهش می‌دهند و زمینه‌های فساد را بازتولید می‌کنند.

علاوه بر این، واردکننده‌ای که نفت دریافت می‌کند، برای تأمین سریع نقدینگی انگیزه دارد نفت را تخفیف‌های معنادار بفروشد. این رفتار باعث رقابت منفی با فروش رسمی شرکت ملی نفت و تضعیف قیمت‌های بازار می‌شود؛ به عبارتی، به‌طور غیرمستقیم رقبای نفتی داخلی‌سازی می‌شوند و اعتبار و درآمدهای ارزی کشور آسیب می‌بیند. شرکت‌های متوسط و کوچک نیز عمدتاً توان لجستیکی و مالی لازم برای مدیریت محموله‌های نفتی را ندارند، بنابراین این طرح

دولت پس اصلاح ارزی تولیدی‌ها را رهاکرد

شجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیرانجمن صنایع نساجی ایران، با بیان اینکه تک‌نرخ شدن ارز به حذف رانت‌ها و امضاهای طلایی منجر شده است، هشدار داد محدودیت منابع ارزی، کاهش نقدینگی تولیدکنندگان و افت قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌تواند اقتصاد را دوباره به چرخه چندنرخ‌ی بازگرداند. وی همچنین بسته حمایتی ۷۰۰ همتی وزارت صمت را ناکافی و فاقد چشم‌انداز روشن برای بخش خصوصی دانست.

شجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیرانجمن صنایع نساجی ایران، درباره تک‌نرخ شدن ارز با اشاره به اینکه تشکل‌های خصوصی سال‌ها پیگیراین موضوع بودند، گفت: منابع ارزی کشور، از دو قسمت صادرات بخش خصوصی و صادرات نفت تشکیل می‌شود. در حال حاضر، به دلیل شرایط تحریمی، در هر دو بخش با مشکلاتی مواجه هستیم و بازگرداندن ارز به کشور نیز دشوار است؛ در نتیجه منابع ارزی محدود شده است. در چنین شرایطی، دولت قوانینی وضع می‌کند تا صادرکنندگان از حاصل از صادرات خود در دولت عرضه کنند و دولت آن را به متقاضیان تخصیص دهد.

وی ادامه داد: یکی از مشکلات موجود تفاوت نرخ ارزی دولتی با نرخ بازار آزاد بود و دولت از صادرکنندگان را با قیمتی پایین‌تر از آن‌ها خریداری می‌کرد. صادرکنندگان نیز از این وضعیت رضایت نداشتند و معتقد بودند صادرات برای آن‌ها صرفه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر، دولت برای واردات ارز از ران قیمت تخصیص می‌داد که این موضوع مشکلاتی را ایجاد کرده بود. به عنوان مثال افاضای دریافت ارز حتی به‌صورت کاذب افزایش می‌یافت و بسیاری برای دریافت آن اقدام می‌کردند. همچنین صادرکنندگان در میزان صادرات خود کم‌اظهاری و واردکنندگان بیش‌اظهاری می‌کردند تا سود بیشتری کسب کنند. این مسائل در نهایت به شکل گریس‌فاد منجر شده بود.

وی افزود: دولت با سوسپیدی که واردکنندگان اختصاص می‌داد، موجب شده بود واردات صرفه اقتصادی پیدا کند و عملاً تعرفه‌های گمرکی برای حمایت از تولید داخلی بی‌معنا شود. در مجموع، تک‌نرخ شدن ارز باعث شد این رانت‌ها و امضاهای طلایی از بین برود.

دبیرانجمن صنایع نساجی ایران در ادامه درباره چالش‌های این اتفاق هم‌راهِ آن‌ها گفت: نکته قابل توجه این است که منابع ارزی دولت محدود است و اگر این موضوع به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است مجدداً به چرخه سابق بازگردیم و اختلاف میان نرخ‌های ارز شکل بگیرد؛ بنابراین، لازم است در سیاست خارجی و اقتصاد بین‌المللی خود تغییراتی ایجاد کنیم تا بتوانیم درآمد‌ها و هزینه‌های ارزی را به‌درستی مدیریت کنیم. امامی‌رئوف ادامه داد: یکی از چالش‌هایی که در نتیجه تک‌نرخ شدن ارز ایجاد شد، کاهش نقدینگی تولیدکنندگان در فرآیند افزایش قیمت بود. در بی این موضوع، قیمت مواد اولیه و به‌تبع آن قیمت کالاها نیز افزایش یافت که این امر به تزیق توم به جامعه منجر شد. دولت باید با تأمین و تزییق نقدینگی، این وضعیت را مدیریت کند.

وی افزود: مشکل بعدی این است که قدرت خرید مصرف‌کننده نهایی کاهش پیدا می‌کند و تولیدکنندگان نیز با خطرکام جدیدی از جمله به مشکل خوردن تولید داخلی و جایگزین شدن واردات، مواجه می‌شوند. هم‌زمانی تک‌نرخ شدن ارز با اتفاقات اخیر، وضعیت اقتصادی جامعه را وخیم‌تر کرد.



دلارهای نفتی» اشاره می‌کنند و ازجمله کاتوزیان از واژه «استبداد نفتی» برای توصیف اقتصاد دوره پهلوی دوم استفاده کرده است. براساس این تحقیقات، در سال‌های بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت، اهمیت نفت در اقتصاد سنتی ایران به‌شدت افزایش یافت. در این میان با افزایش دلارهای نفتی، جایگزینی واردات و توسعه صنایع صادراتی دو راهبرد صنعتی بودند که شاه انتخاب کرد. گرچه در آن شرایط انتخاب این راهبرد برای ایران منطقی بود، اما این راهبردها نه تنها به توسعه اقتصادی ختم‌نشد بلکه به دلیل وابستگی بیش ازحد به نفت، از بین رفتن زیربنای اقتصادی در نتیجه اجرای نادرست اصلاحات ارضی و تراز منفی تجاری، ساختار اقتصاد ایران از هم پاشید، برای مثال در دوره ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ نسبت صادرات غیرنفتی که نفتی، از ۲۳ درصد در سال ۱۳۴۱ به دو درصد در سال ۱۳۵۶ رسید، همچنین عدم اجرای سیاست‌های بازتوزیع و تجمع قدرت اقتصادی کشور در دست شاه و دربار و نوکیسگان وابسته به رانت درآمدهای نفتی، عملاً مانع از رشد اقتصاد به لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه ایران شد.

۵۲ درصد جمعیت ایران در آستانه فقر

ازجمله علل آسیب‌سازی رفاه اجتماعی، گسترش فاصله طبقاتی، توزیع نامتعادل درآمد و ثروت است که خود منجر به فرونی جمعیت زیرخط فقر و سوءتغذیه می‌شود. یکی از مطالعات بسیار دقیق و جامع در زمینه فقر در دوره پهلوی، مطالعات مرحوم دکتر حسین عظیمی (به‌تقل از همایون کاتوزیان، ص ۳۱۶ تا ۳۲۰) است. عظیمی در رساله دکتری خود که در دانشگاه آکسفورد و تحت عنوان «بررسی رابطه رشد اقتصادی، توزیع درآمد و فقر با توجه به مسائل ایران» انجام شده است، سه رده صرف‌کالری را در ایران مشخص می‌کند که معرف «سه خط فقر» متمایز هستند، براین اساس، خط «الف» معرف مصرف ۹۰ تا ۹۹ درصد حداقل نیاز کالریک؛ خط «ب» معرف مصرف ۷۵ تا ۹۰ درصد حداقل نیاز کالریک؛ و خط «پ» معرف مصرف ۷۵ درصد یا کمتر از

اخبار ۳



شرکت‌های دولتی به حیاط خلوت عده‌ای از صاحبان قدرت تبدیل شده است

نماینده مردم نور و محمودآباد در مجلس با انتقاد از ناکارآمدی مدیریت دولتی در بنگاه‌های اقتصادی تأکید کرد: تزیق منابع بدون اصلاح ساختار راهگشا نیست و شرکت‌های دولتی باید بر اساس قانون تجارت و منطق سود و زیان اداره شوند.

عبدالوحد قیاضی، با اشاره به ناکارآمدی شرکت‌های دولتی، اظهار داشت: وقتی از عنوان «زیان ده» برای شرکت‌های دولتی استفاده می‌کنیم، طبیعی است که این پرسش مطرح شود چرا در مقایسه با بخش خصوصی، عملکرد این شرکت‌ها ضعیف‌تر است. واقعیت آن است که در حوزه انتصابات، ارزیابی‌ها و نظام‌های کنترلی، سازوکار شرکت‌های دولتی کارآمدی لازم را ندارد و همین مسئله موجب شده بخش غیردولتی معمولاً موفق‌تر عمل کند.

نماینده نور و محمودآباد در مجلس افزود: هر جا که مدیریت کاملاً دولتی حاکم می‌شود، آنگاه از حیز انتفاع اقتصادی و رقابت‌پذیری خارج می‌شود و نتیجه چنین روندی این است که برخی شرکت‌ها و مؤسسات به حیاط خلوت عده‌ای از صاحبان قدرت تبدیل می‌شوند. به اعتقاد بنده عامل اصلی زیان دهی این شرکت‌ها در همین نکته نهفته شده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه ریشه اصلی زیان ده بودن شرکت‌های دولتی در ساختار آنهاست، تصریح کرد: امروز هم شاهدیم هر میزان منابع به این شرکت‌ها تزریق می‌شود، اثرگذاری لازم را ندارد، زیرا ساختار معیوب مدیریتی اصلاح نشده است. متأسفانه ساختار رانت‌گری مذکور که ریشه در مدیریت دولتی دارد، شرکت‌ها دولتی را به اصطلاح از پا درآورده و این فعالیت‌ها را زیان ده می‌کند. نماینده نور و محمودآباد در مجلس ادامه داد: پیشنهاد می‌کنم تکلیف شرکت‌های دولتی شفاف و روشن شود. اگر قرار است این شرکت‌ها فعالیت اقتصادی داشته باشند، باید بر اساس قانون تجارت و با تکیه بر درآمد و هزینه واقعی اداره شوند. معیار اصلی باید سود و زیان و کارایی اقتصادی باشد، نه اینکه به مدیریت صرفاً با ناکا به منابع دولتی و بدون توجه به بهره‌وری ادامه پیدا کند. این نماینده مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: تأکید ما بر اصلاح ساختار و کاهش انحصار دولت در این حوزه است تا تصمیمات اداری و مدخلات غیرکارشناسی مانع بهره‌وری و رقابت‌پذیری شرکت‌ها نشود و مسیر فعالیت اقتصادی آنها بر مدار شفافیت و پاسخگویی قرار گیرد.



قیمت زولبیا چگونه در دولت چهاردهم نیم میلیونی شد؟

با آغاز ماه رمضان زولبیا و بامیه در ویرترین قنادی‌ها خاوش کرده، اما این بار با قیمتی که نسبت به ۷ سال گذشته حدود ۵۰ برابر شده؛ افزایشی که به گفته فروشنندگان ناشی از رشد هزینه مواد اولیه و تولید و به‌روایت خریداران موجب دور شدن این شیرینی سنتی از اولویت سفره‌های افطار شده است.

به گزارش ایسنا، با آغاز ماه رمضان، ویرترین قنادی‌ها همچون سال‌های گذشته با سینی‌های زولبیا و بامیه پر شده است؛ شیرینی‌هایی طلایی‌رنگ که همواره بخشی از حال‌وهوای افطار به‌اند. با این حال، مشاهدات میدانی خبرنگارگ ایسنا از سطح شهر نشان می‌دهد بازار این محصول نسبت به سال‌های گذشته کم‌رونق‌تر است. در برخی واحدهای صغنی، مشتریان با مکت مقابل ویرترین، تنها قیمت‌رामी پرسند و بدون خرید از مغازه خارج می‌شوند. فروشنندگان نیز از کاهش میزان خرید خبرمی‌دهند. یکی از قنادان در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: «نسبت به سال گذشته فروش کمتر شده است. قبلاً بیشتر مشتری‌هایک با دو کیلوی خریدند، اما حالا اغلب نیم‌کیلو یا حتی کمتر می‌خرند. بعضی‌ها هم فقط قیمت می‌پرسند و منصرف می‌شوند.»

افزایش ۱۰ برابری قیمت زولبیا و بامیه طی ۷ سال

افزایش قیمت این شیرینی سنتی طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است؛ به‌طوری‌که بهای هر کیلو زولبیا و بامیه از حدود ۰٫۵ هزار تومان در رمضان ۱۳۹۷ به ۱٫۹ هزار تومان در سال ۱۳۹۸، ۲۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۹، ۴۸ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ و ۷۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۱ رسید. این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۱۷۰ هزار تومان و در سال ۱۴۰۳ به ۲۵۵ هزار تومان افزایش یافت و اکنون در رمضان ۱۴۰۴ به حدود ۴۹۵ هزار تومان رسیده است؛ افزایشی قابل توجه که فشار مضاعفی برسبب خرید خانوار وارد کرده است.

کایه شهروندان از قیمت‌ها

برخی شهروندان در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، گرانی‌های بی‌دریی و رشد هزینه‌های زندگی را عامل اصلی کاهش خرید می‌دانند. یکی از خریداران می‌گوید: «وقتی توم هر روز بیشتر می‌شود، طبیعی است که زولبیا و بامیه از لیست خرید حذف شود. در این شرایط دیگر اولویت هرازم هم نیست. «شهروند دیگری می‌گوید: «قبلاً اول ماه یا اواسط رمضان، پدر خانواده یک جعبه زولبیا و بامیه می‌خرید و با خودش حال‌وهوای رمضان را به خانه می‌آورد. اگر مهمانی می‌رفتیم هم معمولاً یک جعبه یا خودمان می‌بردیم؛ اما حالا همین شیرینی ساده که مواد اولیه پویجیده‌ای هم ندارد، آن قدر گران شده که دیگر نمی‌توانیم بخریم.»

تولیدکنندگان: هزینه‌های تولید افزایش است

در سوی دیگر، فعالان صنف قنادی افزایش قیمت را نتیجه رشد هزینه‌های تولید می‌دانند. یکی از فعالان این صنف در گفت‌وگو با ایسنا اظهار می‌کند: «مواد اولیه اصلی زولبیا و بامیه روغن، شکر و آرد است و قیمت همه‌ای این اقلام افزایش قابل توجهی داشته است. ما نمی‌توانیم برای پایین نگه داشتن قیمت، کیفیت را کاهش دهیم. اگر روغن یا شکر کمتر یا بی کیفیت‌تر استفاده شود، محصول نهایی آسیب می‌بیند. از طرفی حتی در تأمین روغن هم با مشکل روبه‌رو هستیم. همه این موارد روی قیمت تمام‌شده اثر می‌گذارد. به گفته فعالان صغنی، علاوه بر مواد اولیه، هزینه‌هایی مانند دستمزد نیروی کار، اجاره‌ها، انرژی و حمل‌ونقل نیز در افزایش قیمت تمام‌شده نقش دارند؛ موضوعی که به گفته آنان خارج از اختیار واحدهای صغنی است.



کاهش اشتغال صنعتی؛ ۱۲۰ هزار نفر از کارخانه‌ها رفتند

بخش صنعت ایران با بیش از ۸.۲ میلیون شاغل، ۳۳.۲ درصد از کل اشتغال کشور را در اختیار دارد؛ هرچند نسبت به سال گذشته کاهش ۱۲۰ هزار و ۶۱۰ نفری ثبت شده است.

بررسی آخرین وضعیت اشتغال در ایران نشان می دهد بخش صنعت همچنان یکی از ستون های اصلی بازار کار کشور است. براساس آمارهای رسمی، در پاییز امسال بیش از ۸ میلیون و ۲۵۴ هزار نفر در بخش صنعت مشغول به کار بوده‌اند، رقمی که نشان دهنده ۳۳.۲ درصد از کل جمعیت شاغل کشور است. این آمار اگرچه نسبت به سال گذشته کاهش ۱۲۰ هزار و ۶۱۰ نفر (۰.۳ درصد) داشته، اما نشان می دهد صنعت همچنان نقش مهمی در اقتصاد و ایجاد اشتغال دارد.

مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر

تفکیک اشتغال صنعتی بین مناطق شهری و روستایی، تصویری دقیق تر از وضعیت بازار کار ارائه می دهد. از مجموع شاغلان صنعتی، حدود ۶ میلیون و ۵۳۱ هزار نفر در نقاط شهری و یک میلیون و ۷۲۴ هزار نفر در مناطق روستایی فعال هستند.

مقایسه سالانه نشان می دهد در مناطق شهری، ۵۹ هزار و ۵ نفر کمتر از سال گذشته در صنعت مشغول به کار هستند که معادل کاهش ۰.۲ درصد است. این در حالی است که در مناطق روستایی نیز تعداد شاغلان صنعتی با کاهش ۶۱ هزار و ۶۰۴ نفر مواجه شده است که کاهش ۰.۷ درصدی را نشان می دهد.

کاهش اشتغال صنعتی؛ ۱۲۰ هزار نفر از کارخانه‌ها رفتند

این آمار نشان می دهد هرچند کاهش اشتغال صنعتی در کل کشور اندک است، اما به طور هم‌زمان در مناطق شهری و روستایی رخ داده و در نقاط روستایی کمی شدیدتر بوده است. چنین روندی می تواند نشان دهنده چالش هایی مانند مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر یا محدودیت فرصت های شغلی در مناطق غیرشهری باشد.

جزئیات اشتغال زنان و مردان

براساس آمار ۷ میلیون و ۲۴۶ هزار مرد و ۹۰۹ هزار زن در صنعت مشغول به کار هستند. از تغییرات سالانه، ۱۱۵۲ مرد و ۱۱۶ هزار و ۷۶۰ زن شغل خود را دست داده‌اند. این آمار نشان می دهد کاهش اشتغال صنعتی طی سال گذشته بیش از همه زنان را تحت تأثیر قرار داده است و شکاف جنسیتی در بازار کار صنعتی همچنان بالا است.

توجه به این موضوع، به ویژه در برنامه‌های سیاستگذاری اشتغال و توسعه صنعتی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

روند هفت‌ساله سهم صنعت از اشتغال

می دهد. در سال ۱۳۹۵ سهم صنعت از کل شاغلان کشور ۳۱.۹ درصد بود که پایین ترین رقم در این دوره محسوب می شود. در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ این سهم با اندکی افزایش به حدود ۳۲ درصد رسید و تقریباً ثابت ماند. با آغاز شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹، بخش خدمات به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و به دنبال آن سهم بخش صنعت در اشتغال افزایش یافت و به ۳۳.۲ درصد رسید. این روند صعودی تا پاییز ۱۴۰۰ ادامه یافت و سهم صنعت به بالاترین رقم در این هفت سال یعنی ۳۴.۷ درصد رسید.

کاهش اشتغال صنعتی؛ ۱۲۰ هزار نفر از کارخانه‌ها رفتند

پس از آن، این سهم با کاهش روبه‌رو شد و در سال ۱۴۰۱ به ۳۳.۶ درصد رسید، اما در سال ۱۴۰۲ دوباره روند افزایشی پیدا کرد و به ۳۴.۹ درصد رسید. این روند نشان می دهد که بخش صنعت نه تنها به عنوان منبع اصلی اشتغال در ایران باقی مانده، بلکه توانسته در شرایط بحرانی مانند شیوع کرونا، نقش خود را در بازار کار حفظ کند. این امر اهمیت صنعت را در پاسداری اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برجسته می کند.

به گزارش مهر، با وجود کاهش اندک تعداد شاغلان صنعتی در پاییز امسال، سهم این بخش از بازار کار همچنان بالاست و نشان دهنده اهمیت صنعت به عنوان ستون اصلی اشتغال کشور است. با این حال، کاهش مشاغل در مناطق روستایی و شکاف جنسیتی میان مردان و زنان صنعتی، چالش‌های جدی پیش روی سیاستگذاران اقتصادی و بازار کار ایجاد کرده است. برای حفظ پایداری اشتغال صنعتی و افزایش سهم آن در بازار کار، نیاز به برنامه‌ریزی جامع وجود دارد. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ایجاد مشوق‌های اشتغال برای زنان و برنامه‌های ویژه برای مناطق روستایی می تواند به افزایش ظرفیت جذب نیروی کار در بخش صنعت کمک کند. از سوی دیگر، روند هفت‌ساله نشان می دهد که سهم صنعت از کل شاغلان کشور نسبت به بخش خدمات بالاتر است و این جایگاه با وجود نوسانات اقتصادی و بحران‌های احتمالی همچنان پابرجاست؛ بنابراین، تقویت زیرساخت‌های صنعتی و توجه به توسعه پایدار این بخش، می تواند تضمین‌کننده ثبات اشتغال و کاهش آسیب‌های اقتصادی در بلندمدت باشد. تحلیل آمارها نشان می دهد که صنعت نه تنها نقش کلیدی در ایجاد اشتغال دارد، بلکه توانسته در شرایط بحرانی نیز نقش حمایتی برای بازار کار ایفا کند. با این حال، توجه به جزئیاتی مانند کاهش اشتغال زنان و تمرکز شاغلان در مناطق شهری، می تواند راهنمایی برای سیاستگذاری‌های بهتر و هدفمندتر در حوزه اشتغال و توسعه صنعتی باشد.

■ شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ ■ ۱۰ رمضان ۱۴۴۷ ■ ۲۸ February ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۰۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



ناترازی در تراز تأمین اجتماعی؛ اختلاف ۲۵ هزار میلیاردی در دخل و خرج

گزارش

گزارش

مولدسازی دارایی‌ها راهکاری است که می‌تواند در پوشش ناترازی تأمین اجتماعی نقشی مؤثر داشته باشد.

ناترازی ماهانه حدود ۲۵ هزار میلیارد تومانی سازمان تأمین اجتماعی، حاصل شکاف میان تعهدات ماهانه در سطح حدود ۱۱۵ هزار میلیارد تومان و متوسط درآمد تحقق یافته نزدیک به ۹۰ هزار میلیارد تومان است.

این فاصله که از سوی رئیس هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی اعلام شد، نشانه‌ای از چالش در طراحی نظام تأمین مالی، بهره‌برداری از دارایی‌ها و رابطه دولت با بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور است.

با توجه به پوشش بیش از ۵۲ درصد جمعیت کشور و وابستگی معیشتی حدود ۴۶ میلیون بازنشسته به این سازمان، تداوم چنین ناترازی‌ای مستقیماً ثبات اجتماعی و اعتماد عمومی را هدف قرار می‌دهد.

جبران کسری با انتقال بحران؟ نقش دولت و مصوبه ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی

در واکنش به این وضعیت، دولت متعهد شده است حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از محل اوراق ورد دیون سهام، کسری سازمان تأمین اجتماعی را جبران کند، هرچند این اقدام در کوتاه‌مدت می‌تواند از بروز بحران نقدینگی جلوگیری کند، اما از منظر حکمرانی مالی، بیش از آن که حل مسئله باشد، نوعی تعویق بحران است. انتقال ناترازی به آینده، بدون اصلاح سازوکار تولید درآمد پایدار، خطر بازتولید کسری در ایجاد ی بزرگ‌تر را در سال‌های بعد افزایش می‌دهد.

فروش دارایی به جای اصلاح ساختار؛ مسیری پر هزینه و ناپایدار
هم‌زمان با تعهد دولت، به سازمان تأمین اجتماعی اجازه داده شده است تا حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های خود را به فروش برساند، در ظاهر، این تصمیم راهی سریع برای تأمین نقدینگی است، اما در عمل، به‌معنای مصرف دارایی‌های انباشته‌شده طی دهه‌ها برای پوشش هزینه‌های پایدار است، در

این مسیر مسئله دیگر کمبود دارایی نیست، بلکه ناتوانی در بهره‌برداری مولد از دارایی‌های موجود است. این موضوع مشکلی است که تقریباً در ابعاد و دستگاه‌های مختلف دیده می‌شود. در اینجا در خصوص نمونه تأمین اجتماعی صحبت می‌کنیم اما واقعیت آن است که این چالش به‌صورت بسیار جدی‌تری در دولت تداوم دارد.

دارایی‌های زیسان‌ده روی کاغذ، فرصت‌های سودآور در واقعیت
واقعیت این است که بسیاری از دارایی‌ها و شرکت‌های وابسته، در صورت مدیریت حرفه‌ای، می‌توانند به منابع پایدار درآمدی

تبدیل شوند. تجربه واگذاری مدیریت در برخی بنگاه‌های معدنی نشان داده است که واحدهایی با زیان‌های چند میلیارد تومانی، در مدت کوتاهی به سودهای چندصد میلیاردی و حتی چند هزار میلیاردی رسیده‌اند؛ همراه با افزایش تولید، اشتغال و پرداخت حق‌السهم دولت.

این تجربه‌ها نشان می‌دهد مسئله اصلی «داشتن یا نداشتن دارایی» نیست، بلکه چگونگی مدیریت آن است.

شعار «خروج از بنگاه‌داری» اگر به‌معنای فروش شتاب‌زده مالکیت باشد، در بهترین حالت مسکن موقت ناترازی است و در بدترین حالت، تهدیدی برای پایداری بلندمدت صندوق، در مقابل، الگوی جایگزین آن است که سازمان از بنگاه‌داری غیرحرفه‌ای خارج شود، نه از بنگاه‌سازی.

این تمایز، مرز میان اصلاح ساختاری و سیاست‌زدگی است؛ مرزی که در بسیاری از تصمیمات اخیر نادیده گرفته شده است.

پیمان مدیریت؛ حلقه مفقوده اصلاح

پیمان مدیریت یا قراردادهای راهبری، مدلی است که در آن مالکیت دارایی در اختیار صندوق باقی می‌ماند، اما مدیریت و بهره‌برداری به بازگران حرفه‌ای و پاسخ‌گو واگذار می‌شود، در این چارچوب، شاخص‌های عملکرد، سهم سود، تعهد به حفظ اشتغال و شفافیت مالی به‌صورت قراردادی تعریف می‌شود، این مدل، هم امکان مولدسازی واقعی دارایی‌ها را فراهم می‌کند و هم مانع از حراج سرمایه‌های بین‌نسلی می‌شود.

تهاتر بدهی دولت؛ انتقال دارایی یا انتقال مسئله؟

بخش قابل توجهی از واگذاری‌ها در سسال‌های گذشته، در قالب تهاتر بدهی دولت به نهادهای عمومی انجام شده است؛ فرآیندی که اغلب بدون طراحی مدل راهبری و برنامه مولدسازی بوده است، نتیجه آن، انتقال دارایی‌های کم‌بازده یا زیان‌ده به صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای دیگر از جمله تأمین اجتماعی است؛ دارایی‌هایی که نه نقدینگی ایجاد می‌کنند و نه ناترازی را کاهش می‌دهند، اگر تهاتر قرار است ادامه یابد، باید از ابتدا با الزام به پیمان مدیریت و برنامه مشخص بهره‌برداری همراه شود.

خروج از ناترازی با مدیریت، نه با فروش

ناترازی ۲۵ هزار میلیارد تومانی تأمین اجتماعی رانمی‌توان با فروش دارایی، استقراض پر هزینه یا تزریق‌های مقطعی حل کرد، راه‌حل پایدار، تغییر معماری حکمرانی دارایی‌هاست، حرکت از منطق فروش محور به سمت مولدسازی مبتنی بر پیمان مدیریت، تنها در این صورت است که دارایی‌های انباشته‌شده صندوق، به‌جای مصرف برای پوشش کسری‌های جاری، به منبعی پایدار برای تأمین حقوق بازنشستگان و تحقق عدالت میان نسلی تبدیل می‌شوند.

شعار «خروج از بنگاه‌داری»

اگر به معنای فروش شتاب‌زده مالکیت باشد،

در بهترین حالت مسکن

موقت ناترازی است و در

بدترین حالت، تهدیدی برای

پایداری بلندمدت صندوق،

در مقابل، الگوی جایگزین

آن است که سازمان از

بنگاه‌داری غیر حرفه‌ای خارج

شود، نه از بنگاه‌سازی

((تولید قراردادی)) پیش شرط افزایش تولید و مصرف سورگوم



مریم اطاعتی مدیر گروه محصولات علوفه‌ای وزارت جهاد کشاورزی، با اشاره به محدودیت منابع آب، سورگوم را یکی از گزینه‌های جدی اصلاح الگوی کشت دانست، اما تأکید کرد که توسعه سورگوم دانه‌ای به دلیل فقدان بازار پایدار با چالش جدی مواجه است. با وجود پیش‌بینی قیمت تضمینی و جایگزینی بخشی از واردات ذرت با سورگوم، این سیاست‌ها اجرایی نشده و نااطمینانی دوطرفه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده مانع شکل‌گیری بازار شده است. راهکار اصلی توسعه تولید قراردادی و ایجاد سازوکار تضمین تقاضای برای کشاورزی اقلیم سازگار است.

مدیر گروه محصولات علوفه‌ای وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به تغییرات اقلیمی و محدودیت‌های فزاینده منابع آب گفت: سورگوم را به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی اصلاح الگوی کشت به‌عنوان جایگزینی برای ذرت به‌شمار می‌رود؛ اما وضعیت تولید آن در بخش علوفه‌ای از دانه‌های یکسان نیست.

پیش‌سازی تولید سورگوم علوفه‌ای نسبت به دانه سورگوم

وی افزود: سورگوم علوفه‌ای تا حدی در کشور جا افتاده است. به‌طور میانگین سالانه حدود ۴ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کشت سورگوم

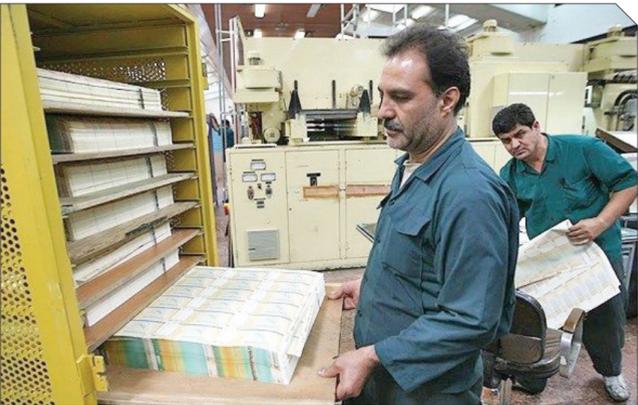
علوفه‌ای می‌رود و ۷ میلیون تن از این محصول تولید می‌شود. استان سیستان و بلوچستان بیشترین سهم را در تولید این محصول دارد. از این سطح زیر کشت، حدود ۲۰ هزار هکتار با استفاده از بذور بومی منطقه سیستان و بلوچستان کشت می‌شود و حدود ۲۰ هزار هکتار دیگر با بذور گواهی‌شده در سایر استان‌ها هکتار دارد. این در حالی است که دانه سورگوم سالانه به‌طور میانگین در سطح زیرکشتی حدود ۶ هزار هکتار، ۸ هزار تن تولید می‌شود.

اطاعتی این وضعیت را نشانه شکل گرفتن الگوی مشخصی از تولید سورگوم علوفه‌ای دانست و ادامه داد: اما سورگوم دانه‌ای هنوز در کشور جا نیفتاده است و توسعه آن با موانع جدی مواجه است.

قیمت تضمینی و جایگزینی واردات؛ سیاست‌های اجرائی توسعه سورگوم
مدیر گروه محصولات علوفه‌ای وزارت جهاد کشاورزی گفت: حدود چهار سال پیش، کمیته‌ای در وزارت جهاد کشاورزی با هدف توسعه تولید و مصرف سورگوم، به‌ویژه سورگوم دانه‌ای، تشکیل شد. در این کمیته تصمیم گرفته شد برای سورگوم دانه‌ای قیمت تضمینی تعریف شود و همچنین بخشی از واردات ذرت دانه‌ای به سورگوم دانه‌ای اختصاص یابد تا به تدریج فرهنگ تولید و مصرف آن شکل بگیرد.

وی افزود: منتظی این تصمیم آن بود که ابتدا با ایجاد یک بازار اولیه و شکل‌گیری هم‌زمان عرضه و تقاضا، مسیر برای تولیدکننده و مصرف‌کننده شفاف شود و پس از آن، واردات سورگوم به‌صورت پلکانی کاهش یابد. اگرچه در سامانه بازارگه نیز سورگوم با عنوان ذرت خوشه‌ای معرفی شد، اما در عمل نه وارداتی انجام شد و نه قیمت تضمینی برای آن تعیین کردید.

ماشین چاپ پول در دولت چهاردهم شتاب گرفت



تقدینگی به ۱۳.۵ هزار میلیارد تومان رسید

حجم نقدینگی تا پایان آذرماه امسال با رسیدن به عدد قابل توجه ۱۳.۵ هزار میلیارد تومان بارشده ۴۰ درصد سالانه رکورد ۴۸

ماهه را به لحاظ نرخ رشد شکست. افزایش پایه پولی نیز که در مقایسه با پاییز سال گذشته ۱۰.۵ درصد به ثبت رسید که تا پیش از این سابقه نداشت.

قابل از آن رشد نقطه به نقطه نقدینگی در پاییز ۱۴۰۰ به سطوح بیش از ۴۰ درصد وارد شده بود. نکته قابل توجه آمار کل‌های پولی در آذر ماه سال جاری آمار مربوط به پایه پولی است. رشد پایه پولی در آذر ماه سال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۵۰ درصد ثبت شده است. با توجه به آمارهای موجود تاکنون اقتصاد ایران با چنین رشد پایه پولی مواجه نبوده است.

ماشین چاپ پول شتاب گرفت

در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۰ درصد اوراق منتشرشده دولت توسط بانک‌ها خریداری شد که این موضوع به دلیل واریز منابع حاصل از آن به حساب ذی‌نفعان، به رشد نقدینگی منجر شد. رشد نقدینگی در شرایطی به حدود ۴۱ درصد رسیده که آذر سال ۱۴۰۳ این عدد معادل ۲۸.۱ درصد بود که نشان می‌دهد رشد نقدینگی در مقایسه با سال قبل ۱۲.۸ درصد افزایش یافته است. پایه پولی نیز در آذر سال ۱۴۰۴ رقم ۱.۸ هزار و ۲۵۸ هزار میلیارد تومان را به ثبت رساند. بر این اساس رشد ۱۲ ماهه پایه پولی در آذر ۱۴۰۴ به رقم ۵۰ درصد رسید که در مقایسه با رقم مشابه در آذر سال ۱۴۰۳ (۲۰ درصد) به میزان ۳۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

توجهات بانک مرکزی در تزریق پول، از شرایط خاص تا پرداخت وام ازدواج
بانک مرکزی در توجه تزریق پول پر قدرت به اقتصاد کشور اعلام کرد که بروز شرایط خاص در اقتصاد کشور و لزوم حمایت از تداوم فعالیت‌های اقتصادی و کمک به تأمین مالی دولت از جمله دلایل افزایش رشد نقدینگی در سال جاری بوده است.

در خصوص رشد پایه پولی نیز عواملی همچون پرداخت ۵ هزار میلیارد تومان وام ازدواج و فرزندآوری در شهریور ۱۴۰۲ و تکرار آن در ماه‌های بعد، افزایش نسبت سربده قانونی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به میزان ۰.۷۵ درصد در مهرماه ۱۴۰۴، سهم ۲۱.۵ درصد خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، سهم ۲۲.۸ درصد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و سهم ۶.۹ درصد مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها را در رشد پایه پولی مؤثر دانسته است.

عامل کاهشده رشد پایه پولی در پایان آذرماه سال ۱۴۰۴ نسبت به پایان سال ۱۴۰۳ نیز خالص سایر اقلام بانک مرکزی با سهمی معادل ۴۰ درصد بوده است.

یک مقام بانک مرکزی: رشد نقدینگی با راسل و امسال از هدف گذاری دور شد

هم‌زمان با انتشار گزارش بانک مرکزی از حجم نقدینگی پایه پولی در آذر ۱۴۰۳ مدیر کل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی گفت: میزان رشد نقدینگی که تقریباً طبق هدف گذاری سالانه کنترل می‌شد، با راسل و امسال از میزان هدف دور شد که بخش عمده‌ای از آن ناشی از تداوم کسری بودجه دولت و تأمین آن از طریق انتشار اوراق و خرید این اوراق توسط بانک‌هاست.

به گفته جعفر مهدی‌زاده، هدف‌گذاری رشد نقدینگی در سال ۱۴۰۱ حدود ۳۰ درصد بود که عملکرد تحقق یافته نیز در محدوده قابل قبول ۲۵ درصد قرار گرفت. این رویکرد در سال ۱۴۰۲ با هدف گذاری ۲۵.۹ درصدی در نظر شد و رشد نقدینگی به ۲۴.۳ درصد رسید که حتی پایین‌تر از هدف رقم‌گذاری شده بود و یک موفقیت قابل توجه برای بانک مرکزی محسوب می‌شود. وی با اشاره به تحولات سال ۱۴۰۳ اظهار کرد: در این سال عوامل جدیدی بر روند نقدینگی اثر گذار بوده که مهم‌ترین‌ان‌ها، افزایش انتشار اوراق دولتی و خرید بخش قابل توجهی از این اوراق توسط بانک‌ها بود. در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۰ درصد اوراق منتشرشده دولت توسط بانک‌ها خریداری شده که این موضوع به دلیل واریز منابع حاصل از آن به حساب ذی‌نفعان، به رشد نقدینگی منجر شد. میزان خرید اوراق دولتی توسط بانک‌ها در این سال نسبت به سال قبل حدود ۳۷۷ درصد افزایش یافت.

چنگ‌شوک‌های نفتی، عوامل کلاسیک تزریق پول پر قدرت به اقتصاد بود
در ایران، عواملی مانند چنگ، شوک‌های نفتی، تغییرات سیاست‌های تجاری و وزی و تحریم‌های اقتصادی، می‌توانند منجر به تغییرات ساختاری در اقتصاد شوند. این تغییرات باعث می‌شوند که پارامترهای مدل‌های اقتصادی در طول زمان ثابت نمانند. اگر این تغییرات نادیده گرفته شوند، تحلیل‌های اقتصادی می‌توانند به نتایج نادرست منجر شود؛ بنابراین، بررسی دقیق تر اثرات حجم نقدینگی نیز در طول زمان، می‌تواند به سیاست‌گذاران اقتصادی کمک‌کند تا تصمیمات بهتری بگیرند و از هزینه‌های بای‌نورم جلوگیری کنند.